



# سه حکیم مسلمان

اشاره  
بیش از چهار دهه از نهضت روح الله می‌گذرد. در این مدت آنچه بیش از هر عاملی توانسته است این نهضت را در مراحل مختلفش در برابر تهدیدات محافظت نماید، تلاش‌های عالمانی بوده است که با مجاهدت‌های علمی خویش، راه را بر هر گونه انحراف و لغزش بستند و با موضع‌گیری‌های هوشمندانه خویش به تحکیم و تثبیت نظام برآمده از آن نهضت پرداختند. در این میان، نام سه اندیشمند فرزانه بیش از دیگران چشم را می‌نوازد: مطهری، جوادی و مصباح؛ سه حکیمی که با نگاهی نظام‌مند به دین و آموزه‌های آن، گام‌های بلندی را در مسیر تحقق حکومت اسلامی برداشتند. این مختصر، مروری است گذرا بر سیره علمی و عملی این سه حکیم مسلمان.



پرتال جامع علوم انسانی



محمد رضا فلاح تفتی

### سیره علمی مشترک

۱. وابستگی به مکتب قم: با تأسیس حوزه علمیه قم و سکونت استوانه‌های علمی در این شهر، جویندگان ایرانی معارف اسلامی که تا پیش از این راه نجف عراق را در پیش می‌گرفتند، اندک اندک مسیر خویش را به سوی قم چرخاندند و در این شهر کوچک مأوا گرفتند. سه مرد مورد اشاره این نوشتار نیز چنین بودند. آنان هر چند در حوزه‌های شهرستان‌ها نیز قدری از دروس مقدماتی را خوانده بودند و حتی آیت‌الله مصباح حدود یک سال در نجف درس خوانده بود، اما به هر روی عمده تحصیلات خود را در قم گذراندند و به کمال علمی رسیدند و چون استادانشان نیز در ایران به درجات علمی خویش دست یافته بودند، بر اساس شرایط قم و ویژگی‌های مکتب قم پرورش یافتند و بیش از آن‌که نجفی شوند، قمی شدند. یکی از مهم‌ترین نمودهای مکتب قم، شیوه نگارش خاص قمی‌ها است. بر خلاف آنچه در نجف مرسوم و معمول بود که بزرگان، مختصر و مشکل می‌نوشتند و به تعبیری گویاتر، مطالب را رمزگونه می‌نگاشتند، اما در نوشته‌های قمیون، ساده‌نگاری، بسیط‌نگاری، روشن‌نگاری و بدون رمزنگاری موج می‌زند. اکنون به دنبال آن نیستیم تا به چرایی این تغییر رویه پردازیم، اما به هر حال نوشته‌های این سه بزرگوار نیز با وجود غنای محتوایی، دارای این ویژگی‌ها است. البته گاه دشواری مطلب، خود را به نوشته تحمیل می‌کند که شاید راه حلی نیز برای آن نباشد.

۲. فلسفه خوانی و فلسفه گروی: در سال‌های دهه ۲۰ و ۳۰ و ۴۰، فلسفه خوانی در حوزه، تکفیر و تفسیق را به همراه داشت و روی آوردن به فلسفه یعنی پشت کردن به نام و نان. امام علیه السلام سال‌ها بعد وقتی از وضع اسف بار حوزه در دوره پیش از انقلاب سخن می‌گویند، به واقعه‌ای اشاره می‌کنند که امروزه برایمان غریب می‌نماید، اما به هر حال امام علیه السلام از روزی یاد می‌کنند که در مدرسه فیضیه، فرزند خردسالشان مصطفی از کوزه ای آب نوشید. کوزه را آب کشیدند؛<sup>۲</sup> چرا که ایشان فلسفه می‌گفتند. گرایش به مسائل عقلی در وجود این سه نفر موج می‌زد و وقتی در آن روزگار پا به حوزه گذاشتند، این سه طلبه فلسفه آموز شدند. همین روح فلسفی نیز آنان را در علوم فقه و اصول به حوزه درس عالمانی کشاند که از دقت بالایی برخوردار بودند.

۳. حضور در درس امام خمینی: همه حاج آقا روح الله را استادی می‌شناختند که سال‌ها نگاه خویش را بر معارف الهی متمرکز کرده است، اما همیشه نیم‌نگاهی نیز به جامعه دارد و می‌داند فراتر از قم چه می‌گذرد و حوادث را رصد می‌کند. همین نکته که آیت الله بروجردی ایشان را نماینده خود برای گفت و گو با شاه معرفی کردند، نشان از این داشت که سطوح عالی تصمیم‌گیری در حوزه می‌دانند تنها حاج آقا روح الله توان رویارویی با سیاستمداران دست‌آموز و مرموز را دارد. روحیه اجتماعی امام خمینی علیه السلام و غافل نبودن از اوضاع زمانه، اثری سترگ بر روح شاگردان نهاد

حضور در مجامع دانشگاهی و علمی در داخل و خارج از کشور و به طور کلی این تعامل علمی را نباید نوعی سازش کاری علمی قلمداد کرد. بلکه گامی است که این بزرگان برای دستیابی به اهداف مشترک ادیان آسمانی برداشته‌اند.

اجتماعی حیات انسان عرضه می‌کنند. در این چشم انداز، همه چیز از خداوند آغاز می‌شود و به او پایان می‌یابد. او محور همه هستی است. هیچ جنبه‌ای از هستی و حیات از چارچوب این تصویر خارج نمی‌ماند و عناصر موجود در آن در ارتباطی نظام مند با یکدیگر، تکمیل کننده و جوه و ابعاد این منظره بدیع و حیرت‌آورند. ثمره همین نگاه نظام‌مند به اسلام، این سه عالم را از لغزیدن به کژراهه التقاط باز داشته است.

#### سیره عملی مشترک

**۱. پرداختن به موضوعات ثابت و متغیر:** انسان در زندگی خویش با دو دسته مسئله روبه‌رو است. دسته اول، مسائلی هستند که همواره دغدغه ذهن بشر بوده است و اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد، اما پاره‌ای از مسائل، نوپیدا و متغیرند. وقتی ما با مراجعه به آثار این بزرگان در اندیشه‌های آنان سیر می‌کنیم، با هر دو نوع دغدغه روبه‌رو هستیم که هم دغدغه پرداختن به پرسش‌های پایدار و جهان‌شمول را دارند و هم دنبال پاسخ به مسائل گذرا هستند؛ اصولاً دغدغه آنان از نوشتن و گفتن این است که مشکلی را حل کنند. فعالیت‌های آنان نشان می‌دهد که آنان به عرصه ذهنیت جامعه نگاه می‌کنند و عمده‌ترین سؤالات ذهنی جامعه جوان، تحصیل کرده، روشنفکر کشور و حتی جهان را بیرون می‌کشند و آن‌ها را با تفکر اسلامی و فلسفه اسلامی و منطق قرآنی منطبق می‌کنند و پاسخ آن‌ها را در سطوح مختلف در اختیار افراد قرار می‌دهند. اینان مجموعه‌ای از دنیاهای متفاوتند، اما در همه عرصه‌ها پاسخ‌گویی به مشکلات را مد نظر داشته‌اند. ما در آثار این سه بزرگوار می‌بینیم که از مسائلی چون عدل، آزادی، شناخت، حکومت مطلوب و انسان بحث کرده‌اند که نشان دهنده توجه ایشان به پرسش‌های پایدار و همیشگی است و از سوی دیگر در آثار شهید مطهری می‌بینیم که به فیلم محلل و یا مسئله حجاب پرداخته‌اند و یا حضرات جوادی و مصباح در بحث‌های مربوط به جامعه مدنی، حقوق زن، مردم سالاری، پولوالیسم و ... نظر داده‌اند، در

و بسیاری از آنان را در سال‌های بعد با حوادث اجتماعی درگیر نمود. گذشته از قوت علمی درس‌های امام، زنده بودن درس‌های ایشان، این سه طلبه را شاگردان درس امام در مسجد سلماسی و مسجد اعظم قرار داد و از همان روزگار آنان را وارد عرصه اجتماع و مسائل کلان کرد.

**۴. بیرون‌نگری:** دیگران هم حظی از فکر دارند. این گزاره به ظاهر بدیهی گاه چنان مورد غفلت قرار می‌گیرد که می‌اندیشیم آنچه ما گفته‌ایم و به آن رسیده‌ایم نهایت چیزی است که بشر می‌تواند به آن برسد و گفته‌ها و تاملات دیگران، نه فقط ارزش بحث کردن ندارد که حتی خواندن آن اتلاف عمر و تضییع وقت است. چنین نگاهی هر مجمع و محفل علمی را دچار چرخه معیوبی می‌سازد و آن را آفت زده تحجر و پس ماندگی می‌گرداند. گفت‌وگو با صاحبان دیگر اندیشه‌ها، از نمودهای سیره علمی این سه اندیشمند است. حضور در مجامع دانشگاهی و علمی در داخل و خارج از کشور و به طور کلی این تعامل علمی را نباید نوعی سازش کاری علمی قلمداد کرد، بلکه گامی است که این بزرگان برای دستیابی به اهداف مشترک ادیان آسمانی برداشته‌اند. بیرون‌نگری در کنار همه فواید ذکر شده، فرد را متناسب با زمان می‌کند. تنها با همین ابزار است که فرد از هجوم شبهه‌ها و لوایس در امان می‌ماند.

**۵. التقاط‌گریزی:** تجدد ناشی از انکار نسبی خویش و به رسمیت شناختن بیش از حد دیگران، هندوانه ابوجهل التقاطی را ثمر داده است که گاه منجر به ارتداد شده است. تاریخ معاصر ایران برای اثبات این سخن می‌تواند روحانی‌هایی را نشان دهد که در نتیجه همین التقاطی اندیشیدن؛ کافر، وهابی، کمونیست و بی‌نماز شدند.<sup>۳</sup> از نقاط مشترک در حیات علمی این سه عالم که بر زندگی اجتماعی آنان نیز بازتاب داشت، مبارزه با التقاط است. ایشان با نگرش سامان‌مند به مجموعه آموزه‌های عقلی و نقلی اسلام، تصویر واقع‌گرایانه‌ای از ابعاد گوناگون این دین الهی و رابطه ساحت‌های فردی و

فعالیتشان را روی تشریح مبانی فکری اسلام متمرکز کرده، به کارهای فرهنگی پرداختند. بنیادگذاری نهادهای فرهنگی اسلامی، پاسخگویی به شبهات ضد دین و مقابله با تبلیغات متجددین و تلاش فکری غیر مستقیم برای نامشروع نشان دادن حکومت پهلوی، از نکاتی بود که مورد توجه این گروه قرار داشت.

### نگاهی گذرا به فعالیتها

آنچه گفتیم، ویژگی هایی بود که کم و بیش در زندگی این سه عالم حضور و بروز داشت، اما هر یک زندگی خاص خویش را داشتند و در پایان این نوشته نگاهی به زندگی آنان می اندازیم:

#### ۱. شیخ شهید

آیت الله مطهری تحصیل خویش را از حوزه مشهد آغاز و پس از مدتی به حوزه قم مهاجرت نمود. او طی اقامت پانزده ساله خود در قم از محضر مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، علامه سید محمد حسین طباطبائی، آیت الله حاج میرزا علی آقا شیرازی، آیت الله سید محمد حجت و آیت الله محقق داماد بهره گرفت. ایشان در مدت اقامت خود در قم، علاوه بر تحصیل علم، در امور اجتماعی و سیاسی نیز مشارکت داشت و از جمله با فدائیان اسلام در ارتباط بوده است. ایشان چون از لحاظ وضع زندگی در مضیقه مالی زیادی بود در سال ۱۳۳۱ به تهران مهاجرت کرد و در تهران به تدریس در حوزه و دانشگاه پرداخت.

شهید مطهری از همان دورانی که امام، بحث اصلاحات در حوزه را مطرح کردند، از بهترین همراهان امام بودند و وقتی مبارزه نیز شروع شد امام را یاری کردند؛ به طوری که می توان سازماندهی قیام پانزده خرداد در تهران و هماهنگی آن با رهبری امام را مرهون تلاش های او و یارانش دانست.

استاد مطهری با تبعید امام، به کادر سازی رو آورد و به تألیف کتاب در موضوعات مورد نیاز جامعه و ایراد سخنرانی در دانشگاه ها، انجمن های اسلامی و مساجد و هر جای دیگر پرداخت؛ ایشان تنها به نهضت اسلامی معتقد بود، نه به هر نهضتی. ایشان در

حالی که این ها در زمره مباحث نوپیدا و متغیر می باشند.

#### ۲. پرهیز از کارهای سطحی و پرداختن به اقدامات عمقی: انسان ها

عجولند. این واقعیتی است که خداوند نیز بدان اشاره کرده است. این شتاب نامعقول در هر عرصه ای حضور یابد، آن جا را به ورطه ای مبدل می سازد و به اندازه خویش اسباب گرفتاری می شود. گاه که این تعجیل نامبارک به حوزه های مهمی از فعالیت اجتماعی رخنه می کند، نتایج ناگوارتری نیز در پی دارد. مبارزات پیش از انقلاب نیز از این قاعده نابهنجار در امان نماند و گروه هایی بودند که دست به اقدامات شتابزده می زدند و افراد و جریانات غیر همراه خود را به سازشکاری، وادادگی، محافظه کاری و انواع و اقسام ردایل متهم می کردند؛ اما به قول آن ضرب المثل، آنان «مو» می دیدند و دیگرانی چون این سه مبارز «پیچش مو». کم نبودند کسانی که در درون پیش از انقلاب، مطهری را به فرار از مواضع خطر متهم می کردند و کم نیستند کسانی که امروزه همین اتهامات را به سمت آیت الله مصباح شلیک می کنند؛ در حالی که ایشان معتقدند مبارزه باید از روی نقشه صحیح و با تمهید مقدمات توأم باشد.

اگر قرار باشد انقلاب به پیروزی برسد و قدرت در دست انقلابیون قرار بگیرد، باید پیش از این رویداد، کادرسازی شود و افراد برای حکومت آمادگی داشته باشند و ابزارهای فکری و نرم افزاری لازم برای این امر مهم فراهم شود و اگر در این امر کوتاهی شود، افراد دخیل در حکومت ناچارند به نسخه هایی که در غرب پیچیده شده است و هیچ تناسبی با فرهنگ دینی ما ندارد، روی آورند. ساواک نیز می دانست که اینان در چه جهتی فعالیت می کنند. یکی از افراد ساواک در گزارشی از سخنرانی آقای مطهری می نویسد: مطمئن هستم که سخنرانی اخیر ایشان بر یک مبنای مشخص و معلوم انتخاب شده است و در لفافه مسائل دینی، همان شعارها و مسائل مورد توجه خمینی و پیروانش را ابراز می کند.

این سه مبارز در زمره نیروهایی بودند که پس از سال ۱۳۴۴ نقطه ثقل



کم نبودند کسانی که در درون پیش از انقلاب، مطهری را به فرار از مواضع خطر متهم می کردند و کم نیستند کسانی که امروزه همین اتهامات را به سمت آیت الله مصباح شلیک می کنند؛ در حالی که ایشان معتقدند مبارزه باید از روی نقشه صحیح و با تمهید مقدمات توأم باشد.

سال ۱۳۴۶ به کمک چند تن از دوستان اقدام به تأسیس حسینیه ارشاد نمود، ولی پس از مدتی به علت تکروری یکی از اعضای هیئت مدیره و ممانعت او از اجرای طرح‌های استاد، از جمله طرح ایجاد یک شورای روحانی که کارهای علمی و تبلیغی حسینیه زیر نظر آن شورا باشد، ایشان از عضویت هیئت مدیره آن مؤسسه استعفا داد.

در سال ۱۳۴۸ به خاطر صدور اعلامیه‌ای با امضای ایشان و حضرت علامه طباطبایی و آیت الله حاج سید ابوالفضل مجتهد زنجانی مبنی بر جمع اعانه برای کمک به آوارگان فلسطینی و اعلام آن طی یک سخنرانی در حسینیه ارشاد، دستگیر شد و مدت کوتاهی در زندان تک سلولی بود و پس از آزادی نیز چند بار ممنوع المنبر شدند.<sup>۶</sup>

مهم‌ترین خدمات استاد مطهری در طول حیات پر برکتش ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی از طریق درس و سخنرانی، تألیف کتاب و پاسخ‌گویی به شبهات گروه‌های التقاطی است. استاد شهید در این سال‌ها به توصیه حضرت امام مبنی بر تدریس در حوزه علمیه قم، هفته‌ای دو روز به قم عزیمت نموده و درس‌های مهمی را در آن حوزه القامی کرد و همزمان در تهران نیز درس‌هایی را در منزل و سایر مکان‌ها ارائه می‌داد. در سال ۱۳۵۵ به دنبال درگیری با یک استاد کمونیست دانشکده الهیات زودتر از موعد مقرر بازنشسته شد. همچنین در این سال‌ها استاد شهید با همکاری تنی چند از شخصیت‌های روحانی «جامعه روحانیت مبارز تهران» را بنیان گذاشت، بدان امید که روحانیت شهرستان‌ها نیز به تدریج چنین سازمانی پیدا کند.

استاد مطهری از سال ۱۳۵۵ تمام وقت در خدمت نهضت قرار می‌گیرد و در تمام مراحل آن نقشی اساسی ایفا می‌نماید. در دوران اقامت حضرت امام در پاریس، سفری به آن دیار نمود و درباره مسائل مهم انقلاب با ایشان گفت‌وگو کرد. در همین سفر، امام خمینی ایشان را مسئول تشکیل شورای انقلاب اسلامی می‌نماید. هنگام بازگشت امام خمینی به ایران، مسئولیت کمیته استقبال از امام را شخصاً به عهده گرفت و تا پیروزی

انقلاب اسلامی و پس از آن، همواره در کنار رهبر عظیم‌الشان انقلاب اسلامی بود. با پیروزی انقلاب دوران مهمی در حال شکل‌گیری بود. آرای استاد مطهری در باب فلسفه سیاسی اسلام و ماهیت حکومت برآمده از انقلاب اسلامی یعنی جمهوری اسلامی در اوایل انقلاب را می‌توان مانیفست عقیدتی اسلام‌گرایان در برابر شبهات و ردیه‌هایی دانست که در برابر مفهوم جمهوری اسلامی عرضه می‌شد. بدین سان ماهیت تئوریک و نظری جمهوری اسلامی در سه دهه اخیر و بالاخص دهه اول انقلاب را باید مأخوذ از ایشان دانست.

استاد مطهری توضیح داد که جمهوری اسلامی، جمهوری روحانیون نیست. همچنین ایشان به نقد ایده جمهوری دموکراتیک اسلامی پرداخت و برای تبیین مدل نظام و جایگاه ولی فقیه، از سنت اسلامی بهره گرفت.<sup>۷</sup>

## ۲. حکیم نظام

آیت الله جوادی آملی تحصیلات خویش را از حوزه آمل آغاز و بعد از درس مقدماتی به حوزه تهران مهاجرت کرد و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات شیخ محمدتقی آملی، علامه شعرانی و حکیم الهی قمشاه بهره گرفت. حضور در تهران و درگیری با حوادث مهم آن مقطع از نزدیک در شکل‌گیری اندیشه سیاسی ایشان تأثیر داشت. در همان ایام اقامت ایشان در تهران، آیت الله مطهری به تهران هجرت کردند و در مدرسه مروی و در کنار حجره ایشان اقامت گزیدند و این مقدمه‌ای بر آشنایی این دو عالم شد. آیت الله جوادی در سال ۱۳۳۴ به قم هجرت کرد و از محضر آیت الله بروجردی، آیت الله محقق داماد، میرزا هاشم آملی، علامه طباطبایی و امام خمینی بهره‌ها برد.<sup>۸</sup> پس از سالیان متمادی شرکت در درس امام، خلق و خوی ایشان در آیت الله جوادی تأثیری خاص نهاد و ایشان وظیفه انتقال پیام و مرام امام را به خطه خودشان بر عهده گرفتند و آن هنگام که دامنه مبارزات مردمی گسترش یافت، ایشان کلاس درس را در قم تعطیل کردند و برای هدایت مبارزه به شمال رفتند. در همان موقع نیز در شمال

مهم‌ترین خدمات استاد مطهری در طول حیات پر برکتش ارائه ایدئولوژی اصیل اسلامی از طریق درس و سخنرانی، تألیف کتاب و پاسخ‌گویی به شبهات گروه‌های التقاطی است.



ثمره سال‌ها حضور آیت‌الله جوادی در قم، انتشار ده‌ها عنوان کتاب و مقاله است... محور این آثار، پاسخ‌گویی به مسائل روز و تبیین دیدگاه‌های دینی است و طیف وسیعی از موضوعات، مانند تفسیر قرآن، مباحث اعتقادی، مباحث مربوط به جایگاه زن در اسلام، مسائل مربوط به فلسفه سیاسی اسلام و بحث ولایت فقیه را در بر می‌گیرد.

آیت الله مصباح از دیر باز در زمینه علمی و فرهنگی، خدمات شایانی را ارزانی داشته‌اند و هر دوره - بنا به مقتضیات آن دوره - حرکت فرهنگی متناسبی را آغاز نموده‌اند. جدیت ایشان و نیز نظم و واقع‌بینی ممتاز ایشان، باعث می‌شود که اغلب حرکت‌های فرهنگی ایشان، نتایج مثبتی را به همراه آورد.

از کتاب جواهر، بحث قضا را شروع کردند. البته گفتنی است که ایشان از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب، به شکل بنیادین و اصولی در آمل کار فرهنگی داشتند و افکار امام را در کلاس‌ها و جلسات متعدد منتشر و تبیین می‌کردند؛ زیرا در آن خطه، افکار چپی و مکاتب الحادی رایج بود و باید با آن به صورت ریشه‌ای مبارزه می‌شد.<sup>۹</sup> ایشان با پیروزی انقلاب از سوی امام به عنوان حاکم شرع در آن منطقه منصوب شدند و بعد با رای مردم به خبرگان راه یافتند. ایشان یکی از اعضای پنج نفره در شورای عالی قضایی که دستگاه قضایی را اداره می‌کرد، برگزیده شدند و تدوین لوایح مهمی چون لایحه قصاص، حدود، تعزیرات و دیات را بر عهده گرفتند. لایحه قصاص آن قدر مهم و تاثیر گذار بود که جمعی به آن اعتراض کردند و امام نیز حکم ارتداد آن‌ها را صادر کردند. ایشان اندکی بعد با موافقت امام کار در دستگاه قضا را رها کردند و برای کارهای علمی به قم بازگشتند. ثمره سال‌ها حضور در قم، انتشار ده‌ها عنوان کتاب و مقاله است که هر یک دارای ارزش بسیاری است. محور این آثار، پاسخ‌گویی به مسائل روز و تبیین دیدگاه‌های دینی است و طیف وسیعی از موضوعات، مانند تفسیر قرآن، مباحث اعتقادی، مباحث مربوط به جایگاه زن در اسلام، مسائل مربوط به فلسفه سیاسی اسلام و بحث ولایت فقیه را در بر می‌گیرد.<sup>۱۰</sup> آیت الله جوادی املی علاوه بر جلسات رسمی تدریس در قم، جلسات سخنرانی فراوانی در مجامع و محافل حوزوی و دانشگاهی و عمومی در سطح کشور داشتند و به کشورهای متعددی نیز مسافرت کردند. در پرونده سفرهای خارجی ایشان، دو سفر اهمیت بسیاری دارد که نخستین آن سفر به مسکو و ابلاغ پیام امام به گورباچف است و دیگری سفر ایشان به نیویورک و شرکت در اجلاس هزاره ادیان و قرائت پیام مقام معظم رهبری است. ایشان در هر دو مورد با تبیین محتوای پیام به جهان فهماندند که اسلام و تعالیم آن تنها نسخه نجات بشریت است. این استاد گران‌قدر هم اکنون در حوزه قم در حلقه‌های علمی، فلسفی، فقهی و تفسیری خویش،

شاگردان ارزشمندی را می‌پروراند.

### ۳. مصباح دوستان

آیت الله مصباح یزدی تحصیلات مقدماتی را در حوزه علمیه یزد گذراند و بعد برای ادامه تحصیل به نجف رفت، اما مشکلات اقتصادی، خانواده را وادار کرد دوباره به ایران برگردند و در تهران ساکن شوند. عشق به حوزه، مصباح را از تهران جدا کرد و روانه قم ساخت و در آن جا با جدیت به تحصیل پرداخت و

در محضر آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی، علامه طباطبایی، آیت الله العظمی اراکی و بهجت شاگردی نمود. ایشان ضمن فراگیری علوم حوزوی در کلاس‌های فیزیک و شیمی شرکت می‌کرد و نیز زبان‌های انگلیسی و فرانسه را آموخت.

آیت الله مصباح از دیر باز در زمینه علمی و فرهنگی، خدمات شایانی را ارزانی داشته‌اند و هر دوره - بنا به مقتضیات آن دوره - حرکت فرهنگی متناسبی را آغاز نموده‌اند. جدیت ایشان و نیز نظم و واقع‌بینی ممتاز ایشان، باعث می‌شود که اغلب حرکت‌های فرهنگی ایشان، نتایج مثبتی را به همراه آورد.

کاستی‌های نظام حوزه از نخستین مسائلی بود که توجه ایشان را به خود جلب کرد که برای رفع این نقیصه نامه‌ای خدمت آیت الله بروجردی نوشتند که نتایجی نیز در پی داشت، اما آرمان‌های اصلاحی حوزه، مدرسه‌های جدید را می‌طلبد که با یک برنامه ریزی ویژه، بتواند طلاب کوشا و با استعداد را در مدتی کوتاه‌تر و با کیفیتی بهتر به جامعه ارزانی دارد. این مهم با همت شهید آیت الله بهشتی و مرحوم آیت الله ربانی شیرازی میسر شد و از آیت الله مصباح برای تدریس دعوت به عمل آمد. استاد نیز به تدریس فلسفه، تفسیر و اخلاق پرداخت. پس از چهار سال به درخواست شهید قدوسی مبنی بر شورایی شدن اداره مدرسه، استاد به عضویت هیأت مدیره آن مدرسه درآمد. ثمره این تلاش جمعی، تربیت طلابی



مبارزه با جریان‌های انحرافی، جنبه دیگری از زندگی استاد مصباح است. ایشان پیش از انقلاب اسلامی به نقد مبانی مارکسیسم که خطری برای نسل تحصیل کرده بود، پرداختند و تز اسلام منهای روحانیت را نقد کردند. پس از انقلاب نیز لحظه ای دست از مبارزه برنداشتند.

ربانی شیرازی، باهنر، مفتاح، مکارم، سبحانی، مصباح و جمعی دیگر برقرار نمود. آنان برای آن که رژیم به ماهیت آن پی نبرد و در صدد به تعطیلی کشاندن آن بر نیاید، نام آن را مباحث «ولایت» نهادند.<sup>۱۱</sup> استاد مصباح، دبیر این جلسات بود. همکاری با نشریه مخفی «بعثت» و سپس تأسیس نشریه انقلابی «انتقام» را نیز باید از شمار فعالیت ایشان برشمرد. مبارزه با جریان‌های انحرافی، جنبه دیگری از زندگی استاد مصباح است. ایشان پیش از انقلاب اسلامی به نقد مبانی مارکسیسم که خطری برای نسل تحصیل کرده بود، پرداختند و تز «اسلام منهای روحانیت» را نقد کردند. پس از انقلاب نیز لحظه ای دست از مبارزه برنداشتند. امروز نیز جامعه ما شاهد تلاش استاد مصباح برای حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه با جریان‌های انحرافی است که به تحریف مبانی اسلامیت و جمهوریت نظام ما می‌پردازند. بی سبب نیست که مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره‌ی ایشان می‌فرماید: «اگر خدای متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری استفاده کند، اما به لطف خدا این شخصیت عزیز و عظیم القدر، خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر کرده است.»<sup>۱۲</sup>

منابع:

مهر استاد؛ سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی، مرکز نشر اسراء.  
استاد در کلام رهبر، گردآوری: مجتبی پیر هادی، انتشارات صدرا.  
جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی ایران، رسول جعفریان.  
اندیشه سیاسی شهید مطهری، پژوهشگاه علوم اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی  
یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری  
مجله حضور (ویژه نامه سی سالگی انقلاب)،  
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی  
سایت فارس نیوز  
سایت موسسه اسراء  
سایت آیت الله مصباح یزدی  
سایت آیت الله شهید مطهری  
سایت خبرگان رهبری  
سایت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

پی‌نوشت‌ها:

۱. اعتماد ملی، ۸۷/۱۲/۱۲، مصاحبه با حجّت الاسلام سیدمصطفی محقق داماد.

فرهینخته بود که هم اکنون در نهادهای گوناگون نظام جمهوری اسلامی به فعالیت می‌پردازند.

پذیرفتن بخش آموزش مؤسسه «در راه حق» نیز از فعالیت‌های استاد مصباح یزدی بود که نقش قابل توجهی در مقابله با نفوذ عقاید ماتریالیستی و مارکسیستی فرهنگ غرب در ذهن جوانان داشت. استاد مصباح با مشاهده توطئه‌های اعتقادی دشمنان در آغاز انقلاب، درس رسمی حوزه را تعطیل کرد تا برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب، بتواند در مراکز گوناگون به سخنرانی بپردازد و به شبهات پاسخ دهد. همچنین نظر به ضرورت امور دانشگاهها در آن سالهای حساس، استاد مصباح در طرحی، تأسیس مرکزی به نام «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را پیش نهادند که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید و ثمرات آن تا هم اکنون، در میان دانشگاهها آشکار است.

از دیگر خدمات آیت الله مصباح یزدی، تأسیس «بنیاد فرهنگی باقر العلوم» بود که فارغ التحصیلان مؤسسه در راه حق را برای گذراندن دوره‌های تخصصی علوم انسانی به خود فرا می‌خواند. بعدها این مرکز با تدبیر استاد مصباح و عنایت ویژه حضرت امام خمینی رحمته و آیت الله خامنه‌ای به «مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی» تبدیل شد که به آموزش طلاب در علوم انسانی و پژوهش‌های تطبیقی در این زمینه می‌پردازد.

استاد مصباح در دوره رژیم ستمشاهی، در صف مقدم مبارزان بودند و از همان زمان که ماجرای «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» پیش آمد در نهضت روحانیت به رهبری امام راحل رحمته مشارکت فعالی داشتند.

از ابتکارات شهید بهشتی در پیش از انقلاب، برقراری جلسات بحث درباره «حکومت اسلامی» بود. شهید بهشتی که به هوشمندی و آینده نگری مشهور بود، بدین می‌اندیشید که پس از پیروزی انقلاب، مبنای انقلاب چه خواهد بود؛ و اگر قرار است مبنای حکومت اسلامی باشد، آیا طرحی مدون و جامع از آن وجود دارد یا خیر. بدین منظور جلساتی را با حضور آقایان مشکینی،

۲. پیام امام به حوزه و روحانیت، ۱۳۶۷.
۳. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، رسول جعفریان، ص ۲۳۹.
۴. سایت آیت الله شهید مطهری.
۵. جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۳۰۱.
۶. سایت آیت الله شهید مطهری.
۷. مجله حضور، ویژه نامه سی سالگی انقلاب، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۲۵.
۸. سایت مؤسسه اسراء.
۹. مهر استاد، سیره علمی و عملی استاد جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، ص ۱۷۳.
۱۰. سایت خبرگان رهبری.
۱۱. سایت آیت الله مصباح یزدی.

#### سوتیترها

تجدد ناشی از انکار نسبی خویش و به رسمیت شناختن بیش از حد دیگران، هندوانه ابوجهل التقاطی را ثمر داده است که گاه منجر به ارتداد شده است. تاریخ معاصر ایران برای اثبات این سخن می‌تواند روحانی‌هایی را نشان دهد که در نتیجه همین التقاطی اندیشیدن؛ کافر، وهابی، کمونیست و بی‌نماز شدند.

آنان معتقد بودند که مبارزه باید از روی نقشه صحیح و با تمهید مقدمات توأم باشد. اگر قرار باشد انقلاب به پیروزی برسد و قدرت در دست انقلابیون قرار بگیرد، باید پیش از این رویداد، کادرسازی شود و افراد برای حکومت آمادگی داشته باشند و ابزارهای فکری و نرم افزاری لازم برای این امر مهم فراهم شود و اگر در این امر کوتاهی شود، افراد دخیل در حکومت ناچارند به نسخه‌هایی که در غرب پیچیده شده است و هیچ تناسبی با فرهنگ دینی ما ندارد، روی آورند.

استاد مطهری توضیح داد که جمهوری اسلامی، جمهوری روحانیون نیست. همچنین ایشان به نقد ایده جمهوری دموکراتیک اسلامی پرداخت و برای تبیین مدل نظام و جایگاه ولی فقیه، از سنت اسلامی بهره گرفت.

وقتی ما با مراجعه به آثار این بزرگان در اندیشه‌های آنان سیر می‌کنیم، با هر دو نوع دغدغه روبه‌رو هستیم که هم دغدغه پرداختن به پرسش‌های پایدار و جهان شمول را دارند و هم دنبال پاسخ به مسائل گذرا هستند